

درجہ صورتی اطاعت زن

از مرد لازم است؟

در خانه باید علاوه بر صفتیت یک نوع اضباط اداری حکومت کند.

فماله خود را بکار اندازد، علاوه بر اداره زندگی خود، هزینه زندگی همسر و فرزندانش را تهیه کند و قانون عادلانه در این سوابع اتفاق نمای کند، مردم را پرستی خانواده خود را به داد و پاشد و زن معاون او باشد علاوه بر این، چون مرد می تواند در مقابل انواع مشکلات اسر مخفی اشان دهد و این سر مخفی با وضع ساختمان بدن و روحیات و وظائف خاص او مشترک باشد گاری دارد تا لوطف اتفاق خاص و وضع ساختمان جسمی زن.

دانشمندان از قدمترین ایام تا کذون باین حقیقت که گفتیم مترکز می باشند و آنرا بعنوان اصلی سلم عی دانند و خود زنان نیز در اکثر موارد قولایا

مساله بروط بخانواده علی سایر مسائل اجتماعی و اقتصادی و غیر آن وقتی تبعیه مطلوب را می دهد که حقوق شرایط و دوامات خاصی بجز این بیندازد و نجسیت رسمی شخص واحدی اداره شود و عرج و عرج بر شئون مختلف آن حکمه رما بشاید و هر یک از احصاء بوطائل محدود نمی کند.

اما یکی از مقولات اسلام مندوشه دارد تمامی بندگانی لازم همسر خود را در حدود قدرت مالی خود نمی کند و مسائل آسایش و راحتی اور افراد آن را در این میان آسایش و راحتی اور افراد آن می آورد، اما این در پرستی امور تابعه بیوی محاول شده است، زیرا او اس که باید تجھت پکشید نباید

عملابه آن اعتراض ازند چنانکه نهادی سریع ۱۳۶ میلیون زن در شوربی بسازیک دوران آزادی بی حساب د کاربریون از خانه و درک مشکلات گوناگون ایست که دولت شوربی برای ورود آنان درون خانه و انجام وظایف اصلی خود تمهیلات فراهم آورد و دست از جبارات برای کارهای بیرون از خانه برداشت و سیاستها را بخوبی این خود را بخوبی و مایل اعتماد خانواده بمنزله قطعات مختلف مابینی هستند که باید بریک بوطایق خاص خود عمل کنند تا خانواده سرطانی خود را حفظ کرده دوام پیقاء مورد نظر را داشته باشد.

اینکه پایه بیرسی این مسئله هم بیزاری دارد چه حدودی لازمه‌ست زن از همسر خود اعتماد کنند؟
سلام است اطاعت اذنشور در تکالیف واجب،
چنان است: بیشتر حق نداده در اصل و از اصل سربرستن آن توسط تکلیف همان واجب دائم الامدادات واجب و وظایف واجب دیگر را بگیره و بر این بجا بر نیست دلایل مورد اذ اطاعت زن اذ شوربی خود (د موادی که در اثر عدم اطاعت زن اذ شوربی خود (د موادی که اطاعت لازم است) پیدا می‌شود.

ممولاً بعضی از زنان کوتاهی خوش در عمل بوطایق همسری را ازدیده می‌انگارند و پدیده آمدن تماش مشکلات و ناراحتی‌ها را بشورهان خود نسبت نیز بوطایق قسرپرستی خود عمل نکرده، خود را مالک مطلق همسران خوشی می‌برندند و تنها او را مکلف می‌دانند که هر چه شوربی بگوید بدون معلولی بر حله عمل در آورده!

۱- اطلاعات شماره ۱۲۴۴۲

هم چنین «ردحق ندارد» می‌سان خود را با انجام محرمات واعمال غیر مجاز امیر نیز نیست و به زنان این حق داده شده که در مقابل این گونه

فرمانهای غیر مشروع شورهان خود، مقاومت کنند و آنها را اجرا ننمایند.

اما اعمال مسجهی مثل نمازو و روزه مسجهی و صدقه از مال شور و خروج اذمنز و انجام اعمال مستحبی از قبیل زیارت و عبادت از مریض وغیر آن اگر منافق با حقوق شوهر پیشنهاد شوهر به آن اجازه ندهد اقدام با آنها ننماید.

اما در اعمالی که منافق با حقوق شوهر پیشنهاد پیارهای از اتفاقهای امر شوهر را در محدود عدم انجام آنها، الزام و لام الاجرا نمی‌دانند و برخی دیگر امامت از شوره را در این گونه موارد لازم و سریعی از آنرا موجب «نشود» می‌دانند.

و لکن در سایر امور عادی اطاعت زن اذ شورش شرعاً امنی الزامی نیست و حقیقی زن می‌تواند در مقابل اینها اذ شوره را خود اجرت و مزد دهد و افت دارد.

اما مهمنه از همه این است که همانکی خاصی در امور خانواده ایجاد، و صمیمیت بین زن و شوره در شون مختلف خانواده برقرار گردد و یکنون انسانهای در این واحد کوچک اجتماعی حکم رفرا

۱- معرفه پنجه آیه ۲۲۸

شود اشاره خانواده بی اساس «جیجی» استوار گردد.

و این هر گز عیب برای ذن محض بعیشود که برای رعایت اضطراب اذ شوره خود اطاعت کنند بر این طرز که گفتن مرد رئیس خانواده و ذن معاون او بشد و طبیعی است که معاون در هر اداره ای مدیدار رئیس بوده در غیبت او کارهای مؤسسه را بخواهین اداره می‌کند، و از دستور رئیس خود سرپیچی نمی‌کند و با همانکی خاصی اموری بوطی به آن موسه راحل و قلمی نماید و الاهرج و مرج ایجاد شده امور آن بخواهی مطلع بجزیان پیدا نمی‌کند.

اما این سخن هر گز به این معنی نیست که شورهان حق دارند از موقعیت خود صوفه استفاده کرده و برای انجام هوسهای شخصی، راه استبداد خود کامک، ایش گزند و بالاجابت و سختگیری و اسالی بی رویه زنان خود را تحت فشار قراردهند فر آن مجید می‌گویند: و اهن مثل الذی علیهم بالمعروف، (۱) وزنان در بر این حقوقی که بر داشت آنها است حقوقی برده هم مرد دارند، که یکی از آنها مسن ساکع عدم ایندیه و اصرار است.

خير اخوانک من نسب ذمتك البیك.

بهرقین دوستان و برادران آنهاستند که گناهان شمارا به مشاهبت دهند (نه

اینکه بر دیوپوشی کرده و شما را اغفال نمایند و گناهان شما را به دیگران نسبت دهند